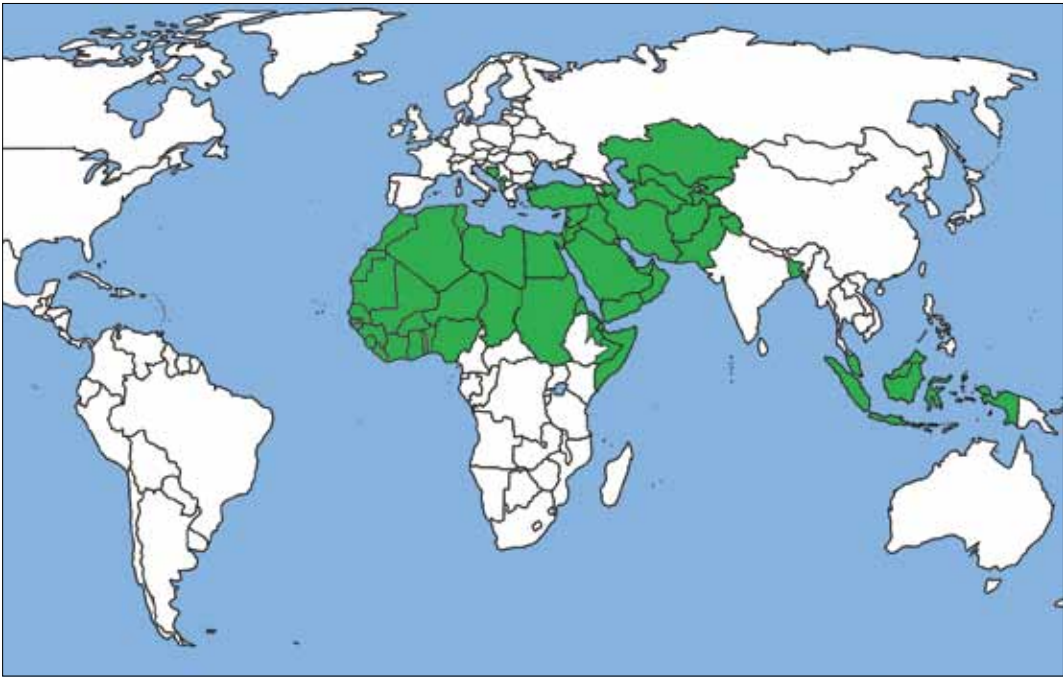


بیداری اسلامی و به تبع آن تحولات شگرف در خاورمیانه، طرحی را در دستور کار ایالات متحده آمریکا قرار داد که می‌توان از آن با عنوان «پاکستانیزه» کردن جهان اسلام یاد کرد.این سناریو که از سالیان طولانی در حال پیگیری و پیاده شدن است، طی چند دهه اخیر با وقوع انقلاب اسلامی ایران و قدرت‌گیری روزافزون جمهوری اسلامی در همه حوزه‌ها، شکل‌گیری یک گفتمان اسلامی عقلانی،دستیابی جمهوری اسلامی به توان هسته‌ای بومی، شکل‌گیری محور مقاومت اسلامی علیه رژیم صهیونیستی، ضعف روزافزون رژیم صهیونیستی، بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، سقوط رژیم‌های متحد غرب در منطقه جنوب شرق آسیا و شمال آفریقا و… به محور اصلی سیاست‌ها و استراتژی‌های آمریکا در جهان اسلام تبدیل شده است. این طرح در تمام جهان اسلام از طریق ایجاد یک عامل بی‌ثبات‌کننده خارجی که زمینه ورود قدرت‌های جهانی را فراهم می‌کند پیگیری می‌شود؛ برای نمونه بحران آفرینی در سوریه و سپس عراق از طریق بدعتی به نام داعش و تروریست‌های تکفیری، مقدمه اجرای این طرح کلان برای شکل دادن به نقشه خاورمیانه‌نوین توسط آمریکاست. در این بین برخی دولت‌های منطقه نیز برای رسیدن به اهداف خود، باقبول نقش پیادمنظام در این طرح آمریکایی– صهیونیستی، تمایل خود را برای نقش آفرینی داوطلبانه در این سناریو اعلام کرده‌اند؛ این دسته از کشورها سعی دارند ضمن حفاظت از منافع خود در مقابل عواقب اجرای این طرح با مشارکت در اجرای آن فرصت و آینده مطلوبی برای خود فراهم کنند.

بر این اساس آمریکا با توجه به جایگاهی که برای خود در عرصه جهانی تعریف کرده است، ابتدا منافع خود را تعریف و سپس خطرهایی که متوجه منافع آن می‌شوند را شناسایی و در نهایت طرح‌های خود را برای مواجهه با خطرات پیش رو ارائه می‌دهد. همین مساله نقطه برتری برای آمریکا محسوب می‌شود چرا که براساس تصویری که بین کشورها و افکار عمومی ایجاد کرده است، منافع و اهداف خود را در گستره جهانی تعریف و آنها را به صورت منافع تمام کشورهای نامیانی می‌کند؛ در اصل کشورها در راستای هدفی تلاش می‌کنند که منافع آمریکا را تأمین می‌کند و خسارات و تلفات اجرای این طرح‌ها تنها چیزی است که به کشورهای پیادمنظام می‌رسد. آمریکا با این تقسیم وظایف، توانسته است اهداف خود را تعقیب و دست‌یافتنی کند و مهم‌تر اینکه توانسته است به دست برخی کشورهای درگیر در ماجرا و بدون هزینه زیاد و خسارات سنگین، به آنچه می‌خواهد برسد. جمهوری ترکیه یکی از این کشورهاست که از یک طرف به دنبال احیای امپراتوری بزرگ عثمانی و از طرف دیگر نیز به دنبال احیای خلافت اسلامی است. آمریکا نیز با آگاهی از این موضوع نقشی را برای ترکیه در تحولات منطقه تعریف و مشخص می‌کند که بتواند در سایه آن به هدف خود دست یابد و از این طریق ترکیه را به ورود به بحران‌های سوریه و عراق تشویق کرد. در همین چارچوب ترکیه به‌عنوان بازوی عملیاتی اناق فکر آمریکا انجام وظیفه می‌کند و با تأیید و حمایت همه‌جانبه از تروریست‌های تکفیری و داعش در سوریه و عراق نقشی را اجرا می‌کند و نتایج آن به قسمتی از پازل خاورمیانه را تکمیل می‌کند که به آن محول شده است، بی‌آنکه از نمای کلی طرح آمریکا مطلع باشد. با توجه به این شرایط گذشت زمان به‌خوبی این مساله را روشن کرد که بعد از گذشت چند سال از آغاز بحران سوریه و عراق– که با حمایت‌های بی‌دریغ ترکیه و «رجب طیب اردوغان» از تروریست‌های تکفیری و تنش آفرینی در این کشورها همراه بود– نه‌تنها ترکیه به رویای دستیابی به قدرت بیشتر دست نیافته بلکه با از دست دادن قدرت و امنیت خود دچار آشوب و ناامنی در مناطق مختلف خود نیز شده است. اینجاست که بحث پاکستانیزه کردن مطرح می‌شود چرا که همین سناریو درباره پاکستان نیز پیاده شد. پاکستان سررویس‌های اطلاعاتی این کشور نیز درباره حمایت و پشتیبانی از القاعده و طالبان و گروه‌های جهادی افراطی در افغانستان نقش اساسی داشتند.

پاکستان در کنار عربستان‌سعودی به رهبری آمریکا ۳ تفرقه‌سوزی بودند که گروه‌های جهادی



**دشمن در مقابل موج رو به گسترش انقلاب اسلامی چه رویکردهایی را در پیش گرفته است؟**

# پاکستانیزه کردن جهان اسلام

- سیدمهراد سیدبزرگر**

منطقه شده است، چنین کشوری با این وضعیت وخیم امنیتی پتانسیل این را دارد که یک منطقه را بی‌ثبات و پر تنش کند. پاکستان نیز مثل ترکیه به دنبال کسب حمایت غرب بویژه آمریکا بود تا ضمن بهبود وضعیت خود از طریق جذب کمک خارجی به بیشینه‌سازی قدرت ببردازد و در رقابت تسلیحاتی و نظامی با هندوستان از یک حامی بزرگ برخوردار شود لذا بنا داشت با ورود به پیادسازی طرح آمریکا در مبارزه با شوروی در افغانستان به اهداف خود دست یابد اما اولین کشوری که در این جریان منضّر شد خود پاکستان بود چرا که ضمن درگیری با شبه‌نظامیان طالبان که هزینه زیادی را متوجه دولت پاکستان می‌کنند، زمینه حضور آمریکا و ناتو را در کشور خود فراهم آورده است که به بهانه مبارزه با تروریسم، امنیت مردم را به طور کامل از بین برده‌اند و شرایط را در پاکستان به‌گونه‌ای شکل داده‌اند که امنیت، محلی از اعراب ندارد و این کشور را با مشکلات عدیده امنیتی مواجه کرده است اما این فقط ایالات متحده آمریکا بود که توانست به اهداف خود دست پیدا کند، چراکه

نه‌تنها بحث محاصره کمونیسم و جلوگیری از آن را با موفقیت پیگیری کرد و مانع آن شد که شوروی به خلیج‌فارس و خاورمیانه دست یابد بلکه توانست یک نیروی شبه‌نظامی کارآمد را که هیچ تعهد سرزمینی و نظمی و امتیازات اولیه برای کردها هستندن لذا در این راه حزب کارگران کردستان (PKK) بزرگ‌ترین گروه کرد مخالف سیاست‌های ترکیه در قبال اکراد است که از حقوق کردهای ترکیه دفاع می‌کند و در این باره نیز بارها بین ۲ طرف درگیری‌های نظامی شدیدی رخ داده است. ترکیه در قبال کردها سیاست سختگیرانه‌ای را اتخاذ کرده که طی سالیان اخیر دچار شدت و ضعف بوده است اما شکل‌گیری دولت فدرال اقلیم کردستان در عراق پس از جنگ دوم خلیج‌فارس و رسمی شدن آن بعد از سقوط حکومت صدام، نگرانی دولت ترکیه را از این موضوع تشدید و ترس این دولت را از شکل‌گیری یک دولت کرد در مناطق مرزی‌اش که موجب تحریک کردهای ترکیه می‌شود، افزایش داده‌است.

کردهای ترکیه حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و در انتخابات پارلمانی اخیر نیز حزب دموکراتیک خلق که از حمایت کردها برخوردار بود توانست ۸۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. این اوضاع داخلی حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان را نیز در فشار قرار داده است و موجب شده است در سیاست‌های داخلی و خارجی خود بازنگری کند. با توجه به این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند. در این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند. در این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند. در این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند.

## غارت غلات ایران توسط انگلیسی‌ها



شده و می‌شود و برای جلوگیری از وخامت روزافزون اوضاع خوار و باری کشور، دولت انتظار دارد متفقین در برقراری قوای نظامی دولت شاهنشاهی در کلیه نقاط سرحدی و اجرای کامل مقررات گمرکی یا او معاضدت کامل بنمایند.» علاوه بر دخالت متفقین در خروج غیرقانونی ارزاق از کشور، قسمت زیادی از ارزاق کشور به

و توسعه و رجب طیب اردوغان را نیز در فشار قرار داده است و موجب شده است در سیاست‌های داخلی و خارجی خود بازنگری کند. با توجه به این شرایط ورود نظامی ترکیه به معمای امنیتی منطقه نه‌تنها باعث ثبات و ایجاد امنیت نخواهد شد بلکه اوضاع را بیش از پیش پیچیده و لاینحل خواهد کرد، کما اینکه حملات ترکیه به مواضع کردها در شمال عراق و سوریه منجر به اقدامات تلافی‌جویانه گروه پ‌ک‌ک در داخل مرزهای ترکیه شده است. در اصل ترکیه سعی دارد به بهانه مبارزه با تروریست‌ها علاوه بر اینکه به شمال عراق و سوریه وارد شود و موقعیت خود را در این مناطق تثبیت کند، مواضع گروه‌های کرد چون پ‌ک‌ک را که معضل امنیتی برای ترکیه محسوب می‌شوند نابود کند و از این طریق به تروریست‌های تکفیری هم کمک کند، چرا که کردها نیز بشدت در حال جنگ با داعش و تروریست‌ها هستند و تضعیف آنها به منزله تقویت گروه‌های تکفیری است. از طرف دیگر ترکیه از این طریق قصد دارد شبه‌نظامیان گروه پ‌ک‌ک را که مهم‌ترین معضل امنیتی برای ترکیه هستند، نابود کند. از همین رو است که مقامات ترکیه خواهان ایجاد منطقه حایل در شمال سوریه با همکاری آمریکا هستند تا به این وسیله به اهداف یادشده دست یابند. همچنین ترکیه سعی دارد با کشاندن ناامنی به مرزهای جمهوری اسلامی منجر به بی‌ثباتی و ناامنی در ایران نیز شود. بر این اساس می‌توان به حملاتی که متوجه اتوپوس گردشگران ایرانی در شهر مرزی «وان» شد همچنین حملات پی در پی که به کامیون‌های ایرانی در خاک ترکیه شده است اشاره کرد که همگی اینها نشان از طرح ایجاد بی‌ثباتی و تنش در کل منطقه بویژه در مرزهای ایران دارد که با طراحی آمریکا و رژیم صهیونیستی که محصول این شرایط را جمع می‌کنند صورت گرفته است. همانطور که اشاره شد حلقه اصلی و مشترک در تمام این تحولات درباره پاکستان باید گفت همین بی‌ثباتی و هرج و مرج در این کشور و افغانستان زمینه حضور دائمی آمریکا در منطقه را فراهم کرده است که آمریکا این را مدیون پاکستان، رژیم آل‌سعود و تروریست‌های تکفیری است.

درباره ترکیه نیز این سناریو در حال پیاده شدن است، ترکیه که خود را فدای استراتژی‌های آمریکا و همچنین رژیم صهیونیستی کرده است به تنش و بی‌ثباتی خود دام زده و تصور می‌کند در راستای اهداف خود گام برداشته و این همیوشسانی منافع است که باعث همکاری با آمریکا شده است ولی این یک خطای محاسباتی و راهبردی بزرگ برای ترکیه است که می‌تواند این کشور را به پاکستانی دیگر تبدیل کند. ترکیه در چند وقت اخیر به بهانه مبارزه با گروه‌های تروریستی وارد فاز جدید عملیاتی و نظامی در مرزهای جنوبی خود شده است که البته این پوششی است در جهت مبارزه با گروه‌های کرد در مناطق کردنشین و ورود به مناطق شمالی عراق و سوریه، همان مناطقی که ترکیه در آرزوی دستیابی به آنهاست و نسبت به آنها ادعای تاریخی مطرح می‌کند. کردها سالیان طولانی است با دولت ترکیه دارای روابطی پر تنش و خواهان دستیابی به حقوق و امتیازات اولیه برای کردها هستندن لذا در این راه حزب کارگران کردستان (PKK) بزرگ‌ترین گروه کرد مخالف سیاست‌های ترکیه در قبال اکراد است که از حقوق کردهای ترکیه دفاع می‌کند و

در این باره نیز بارها بین ۲ طرف درگیری‌های نظامی شدیدی رخ داده است. ترکیه در قبال کردها سیاست سختگیرانه‌ای را اتخاذ کرده که طی سالیان اخیر دچار شدت و ضعف بوده است اما شکل‌گیری دولت فدرال اقلیم کردستان در عراق پس از جنگ دوم خلیج‌فارس و رسمی شدن آن بعد از سقوط حکومت صدام، نگرانی دولت ترکیه را از این موضوع تشدید و ترس این دولت را از شکل‌گیری یک دولت کرد در مناطق مرزی‌اش که موجب تحریک کردهای ترکیه می‌شود، افزایش داده‌است. کردهای ترکیه حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند و در انتخابات پارلمانی اخیر نیز حزب دموکراتیک خلق که از حمایت کردها برخوردار بود توانست ۸۰ کرسی پارلمان را به خود اختصاص دهد. این اوضاع داخلی حزب عدالت و توسعه و رجب طیب اردوغان را نیز در فشار قرار داده است و موجب شده است در سیاست‌های داخلی و خارجی خود بازنگری کند. با توجه به این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند. در این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند. در این شرایط ترکیه به مواضع خود پایبند نیست و در صورت لزوم از مواضع خود دست بردار می‌کند.

این روند ریزی در چارچوب مبارزه با کمونیسم و انقلاب اسلامی ایران، از طریق ظهور شبه‌نظامیان طالبان و القاعده با کمک پاکستان و آل‌سعود تعریف می‌شد و امروز به صورت یک جنگ تمام‌عیار با اسلام و مصداق حقیقی آن جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت، از طریق ایجاد داعش با حمایت و تسلیح از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی در جریان است.

### اشرف پهلوی و پرویز راجی



حسین فردوست در خاطراتش می‌نویسد: پرویز، پسر دکتر راجی، جوان بسیار خوش‌تیپی بود که مورد علاقه خاص هویدا قرار گرفت و هویدا او را رئیس دفتر خود کرد. این‌س علاقه از چه بابت بود، اطلاعی ندارم ولی حدس می‌زنم! سپس اشرف شدیداً عاشق پرویز شد و واقعاً او را کلافه کرد. به همین دلیل راجی در سن کم (شاید ۳۲ تا ۳۵ سالگی) مشاغل حساس داشت و این اواخر سفیر ایران در انگلستان شد و تا زمان دولت بختیار در همین پست بود.

در این دوران من قائم‌مقام سلاواک بودم. روزی اشرف تلفن زد و گفت: «برای یک ماه این پرویز راجی را تعقیب می‌کنی، از زن‌هایی که با آنها رابطه دارد مخصوصاً در حالتی که در کنارشان است، عکس برمی‌داری و همه را مرتباً به من می‌دهی!» از این مساله شدیداً جا خوردم، روشن بود که اگر دستور اشرف اجرا شود، همه ساواک باخبر می‌شوند.

شرحی به محمدرضا نوشتم و توضیح دادم که اگر این درخواست اجرا شود، از این عملیات حدود ۳۰۰–۲۰۰ نفر از پرسنل ساواک مطلع می‌شوند؛ یا مستقیماً در جریان قرار می‌گیرند یا گزارشات را مطالعه می‌کنند. توضیح کاملی از همه ابعاد مساله برای محمدرضا نوشتم. گزارش به رویت محمدرضا رسید و به نزد من بازگشت. با کمال حیرت دیدم در زیر آن نوشته است: «نجام دهید!» محمدرضا نه‌تنها اهمیت نمی‌داد که خواهرش چه می‌کند، بلکه اهمیت نمی‌داد تمام کشور نیز از روابط خواهرش مطلع شوند.

به هر حال، دستور اشرف اجرا شد. هر روز یک گزارش تایپ شده ۳۰۰–۲۰۰ برگی از اداره کل پنجم ساواک (که بخش فنی ساواک بود) به من ارائه می‌شد. این گزارش تلفن‌ها، رفت‌وآمدها و صحبت‌های شبانه‌روز راجی بود. عکس‌ها نیز ضمیمه آن بود و من همه را برای اشرف می‌فرستادم. این اسناد بسیار عجیب و شاید بی‌نظیر است و شامل مکالمات تلفنی راجی است. عجیب‌تر اینکه اشرف با وجودی که می‌دانست تلفن‌ها کنترل می‌شود به مکالمات خود با پرویز ادامه می‌داد و هیچ اهمیتی نمی‌داد که پرسنل ساواک مطلع می‌شوند، گویی اصلاً آنها جزو آدم نیستند. مثلاً اداره کل پنجم گزارش می‌داد اشرف در ساعت فلان زنگ زد و گفت: «عزیزم، قربانت بروم، دیشب از عشق تو خوابم نبرد.» و صحبت‌های عجیب و غریبی که قابل ذکر نیست. از ساعت ۴ صبح به راجی زنگ می‌زد: «هن دارم آنجا می‌آیم!» راجی خواب‌الود جواب می‌داد: «ای بابا! خسته‌ام، می‌خواهم بخوابم.» و اشرف می‌گفت: «خواب بی‌خواب، آسدم، میناسا از خانه بیرون بروی.» و سوز اتومبیلش می‌شد و به سرعت خود را به خانه راجی می‌رساند. عکاس ساواک هم از همه صحنه‌ها عکس می‌گرفت و گزارشگر ساواک هم می‌نوشت. هدف اشرف این بود که مطلع شود که آیا راجی با زن دیگری هم رابطه دارد یا نه و اگر دارد آن زن‌ها که هستند، چه صحبت‌هایی می‌کنند و عکس‌هایشان را ببینند.

این اواخر که راجی با فشار اشرف سفیر ایران در لندن شد، ایشان هفته‌ای یک‌بار به لندن می‌رفت و هدفش هم صرفاً دیدن راجی بود. راجی نیز در خاطراتش گاه اشاراتی دارد که ژوان لین، محلی که ویلای اشرف در جنوب فرانسه در آن واقع است، رفتم. البته به بقیه ماجرا اشاره نمی‌کند. این بود چهره اتفاق اشرف به رامسر رفتم. کسی که مطلع نباشد تصور می‌کند که این دیدارها عادی است ولی بنده که مطلعم می‌دانم که چه خبر است.

فردوست در پایان مقاله‌ای راجع به اشرف پهلوی در جلد اول «ظهور و سقوط سلطنت پهلوی» می‌نویسد: این بود چهره اشرف، دومین فرد خانواده پهلوی پس از محمدرضا زنی که در هر زمینه در حد اعلای افراط و گستاخی است و می‌توانم او را بحق «فاسدترین زن جهان» بنامم… در تاریخچه زنان فاسد جهان معادل اشرف یا نیست یا نادر است: معناد، قاچاقچی، عضو مافیای آمریکا، بیمار جنسی و زنی که به قول خودش اگر هر شب یک مرد تازه نبیند خوابش نمی‌برد!…

منبع: خاطرات حسین فردوست ظهور و سقوط سلطنت پهلوی